

تربیت فرزند مهدوی

مقدمه

یکی از داستان‌های قابل تدبر قرآن، داستان ذریه‌ی انبیاست که در آیات مختلف مثلاً در ماجرای حضرت نوح (آیه‌ی ۳، سوره‌ی اسرا) و داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل (آیه‌ی ۱۲۴، سوره‌ی بقره) به آن اشاره شده است. خداوند در نقل داستان حضرت ابراهیم در سوره‌ی صافات که درباره‌ی دو فرزند حضرت ابراهیم [اسماعیل و اسحاق] سخن می‌گوید؛ فرزندان‌ی که از آنها نسلی به وجود خواهند آمد. خداوند ابتدا داستان اسماعیل را بیان می‌کند و سپس داستان اسحاق را. در بخشی از آیه خدا می‌فرماید: «وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ»؛ «ما به او و اسحاق برکت دادیم و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند.» (صافات / ۱۱۳)

بنابر این آیه در نسل حضرت اسحاق هم انسان‌های پاک و صالحی مانند انبیائی چون حضرت داوود، حضرت سلیمان، حضرت موسی، حضرت عیسی و... وجود دارد و در مقابل آنها انسان‌هایی شقی مانند صهیونیست‌های ظالم؛ البته قطعاً بد بودن این نسل به حضرت اسحاق بر نمی‌گردد؛ چون ایشان مسئول تربیت آنها نبوده است؛

پس ما با مرگمان تمام نمی‌شویم و می‌توانیم [با تربیت نسلی شایسته] خود را تکثیر کنیم؛

زیرا ما دو دسته اعمال داریم:

- اعمال ما تَقَدَّمَ؛
- اعمال ما تَأَخَّرَ.

اعمال ما تَقَدَّمَ ما در همین دنیا (با مرگ) پایان می‌یابد؛ اما اعمال ما تَأَخَّرَ (یعنی هر کار خیری که ما زمینه‌ی آن را فراهم یا هر سنت نیکی که رسم کرده‌ایم و...) با مرگ ما پایان نمی‌پذیرد و ثواب آن در برزخ به ما می‌رسد. آیا ذریه‌ی ما همان کسی است که از صلب و رحم ماست؟ خیر. خداوند در قرآن کریم به حضرت ابراهیم می‌فرماید: «فقط کسانی که فرزند تو هستند، ذریه‌ی

تو محسوب نمی‌شوند؛ بلکه هر کس که با تو عهد بسته و تو را قبول دارد، اهل و ذریه‌ی توست.» (آل عمران / ۶۸)

به همین دلیل رسول‌الله می‌فرماید: «**أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ**»؛ «من و علی پدران این امت هستیم.» (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۵۹)

پس ما از هر کسی هدایت بگیریم، او پدر ماست. این ادبیات قرآن است. در مقابل هر کسی که ما در تربیت او سهیم باشیم؛ مانند فرزند ماست.

ژنتیک یا تربیت؟

خداوند در انجیل (آب: پدر) و در قرآن (رب: مربی) خوانده شده است. کدام مهمتر است؟ قطعاً مربی؛ زیرا تربیت از مسائل ژنتیکی اهمیت بیشتری دارد. دلیل این مدعا این است که از نسل پیامبران و اهل بیت هم افراد نالایقی (مانند جعفر کذاب و پسر حضرت نوح) به دنیا آمده‌اند؛ پس نکته‌ی مهم، تربیت است. تربیت فرزند مانند این است که کاغذ سفیدی برای نوشتن به شما بدهند؛ البته نباید نقش ژنتیک را نادیده گرفت. استعدادهای هر کودک به پدر و مادرش می‌رود به همین دلیل در روایات به بررسی و تحقیق درباره‌ی انتخاب همسر تأکید شده است؛ چون ژنتیک همسر ما و خانواده‌ی او در نسل ما تأثیر دارد؛ پس تحقیق قبل از ازدواج واجب است. در بحث تربیتی، بچه‌ها در هنگام تولد مانند کاغذی سفید هستند که در اندازه با هم تفاوت‌هایی دارند (مسائل ژنتیکی)؛ یعنی از اول عقل مطبوعی دارند و ذهن آنها مستعد برخی امور و توانایی‌هاست؛ اما تربیت مهمتر است. ما در هفت سال اول زندگی، شخصیت بچه را شکل می‌دهیم؛ حتی بیشتر اختلالات روانی نیز در کودکی شکل می‌گیرد.

تأثیر فضای خانه و خانواده در تربیت مهدوی

حالا اگر ما بخواهیم فرزند امام‌زمانی داشته باشیم باید دقت کنیم که کودک ما در چه حالی اسم امام‌زمان را می‌شنود در داد و بیداد یا در آرامش و شادی. شوق و جذابیت و احساس ما به مغز و علایق فرزندمان جهت می‌دهد؛ پس والدین باید رفتار و احساس خود را در حضور کودک به خصوص در مورد تربیت دینی کنترل کنند تا مبادا فرزند در حالت منفی نسبت به دین شرطی شود؛ مثلاً درباره‌ی بازی کودکان در حین عبادت‌تان صبور باشید و تحمل خود را بالا ببرید تا کودک از عبادت شما برداشت مثبت و شاد داشته باشد. ما باید فرزندمان را طوری تربیت کنیم که خود او هم قدرت تربیت‌کنندگی داشته باشد؛ زیرا در آینده او تبدیل به چندین نفر می‌شود و مسئول تربیت نسلی دیگر است؛ پس باید نهایت سعی خود را برای تربیت فرزندمان انجام

دهیم. سلامت روان کودک مهم است. والدین باید در دوره‌های تربیت کودک شرکت کنند و در کنار آموختن امور دینی از علم روانشناسی و مشاوره‌ی روانشناسان نیز استفاده کنند. این والدین هستند که علایق و سلایق فرزندشان را مشخص می‌کنند و به آینده‌ی او سمت‌وسو می‌دهند. ما با الگوها و مدل‌های درست می‌توانیم فرزندانمان را به سمت مدنظرمان سوق بدهیم؛ اگر بخواهیم فرزند مهدوی داشته باشیم باید مشوق‌های ما در حوزه‌ی مهدویت باشند و کودک از مهدویت ترسی نداشته باشد.

اهمیت سلامت روان در تربیت مهدوی

عقل سالم در بدن سالم است؛ پس فرزند باید هر دو بُعد سلامت جسم و روان را داشته باشد تا تربیت مهدوی شود؛ مثلاً فردی که اختلال روانی دارد می‌تواند با ورود به یک مجموعه‌ی مهدوی ناخواسته به آن مجموعه آسیب بزند. گاهی برخی افراد مهدوی چون دچار وهم و خیال بیمارگونه هستند، مدعی دیدار و ارتباط با امام‌زمان می‌شوند و به مهدویت ضربه می‌زنند؛ پس کودک باید در محیط آرام و سالم بزرگ شود و والدین برای تربیت او وقت بگذارند. کودک باید از محبت والدین بهره‌مند شود؛ اما متأسفانه بعضی فکر می‌کنند با بی‌محبتی، فرزند خود را مستقل بار می‌آورند در حالی که بی‌محبتی و بی‌توجهی والدین، حس رهاشدگی به کودک می‌دهد که آثار آن در بزرگسالی نمایان می‌شود.

نقش برخی امور در تربیت بهتر فرزندان



✓ استفاده از تجربیات بزرگترهای فامیل و دیگران

برای تربیت باید پرس‌وجو و مطالعه و تحقیق کنیم؛ مثلاً استفاده از تجربه‌ی بزرگترها در تربیت

فرزند بسیار مفید است. در گذشته، زندگی چند خانواده نزدیک به هم، فواید بسیاری داشت. والدین علاوه بر استفاده از تجربیات یکدیگر در مواقع لزوم از یکدیگر برای مراقبت از فرزند خود یاری می‌گرفتند. محدودیت‌های بچه‌های امروز، آنها را در آینده دچار مشکل می‌کند. بچه باید کودکی کند تا در بزرگسالی دچار مشکل نشود.

✓ هویت بخشیدن

به فرزند خود هویت بدهید؛ یعنی به او بگویید که اگر جامعه درست بود، امام‌زمان ظهور می‌کرد

و یکی از دلایل ظهور نکردن همین است که حرف و عمل مردم یکی نیست

و مردم به چیزی که می‌دانند درست است، عمل نمی‌کنند.

به‌علاوه به او بگوییم که مراقب باشد که او مانند این افراد نشود. به او هویت دهیم که تو ان‌شاءالله یار امام‌زمان هستی. برایش رویا بسازید تا بتواند حول آن رویا پردازد و خودش را جزء یاران حضرت ببیند؛ سپس آرام آرام به این رویا، منطق را اضافه کنید و به او بگویید که کسی که یار امام‌زمان می‌شود، کارهای بد انجام نمی‌دهد. برای این هویت‌بخشی از قصه‌های مهدوی کمک بگیرید. قصه‌هایی که مفهوم منجی‌گرانه در آنها نهفته است. در یک کلام، کسی که هدف خود را مهدویت می‌گذارد باید به لایبی و قصه و بازی‌های فرزندش فکر و توجه کند.

✓ عامل بودن

فرزندان ما آن چیزی که ما می‌خواهیم، نمی‌شوند؛ بلکه آن چیزی می‌شوند که ما هستیم. هنگامی که فرزند ببیند پدر و مادرش اشتباه خودشان را قبول می‌کنند و حرف و عمل آنها یکی است در او اثر می‌گذارد. باید همه چیز را به بچه‌ها توضیح و سؤالاتشان را پاسخ دهیم؛ البته پاسخ ما باید متناسب با سن و درک او باشد.

✓ آشنا کردن کودک با امام‌زمان و محبت ایشان

اگر می‌خواهید هدیه‌ای به فرزند خود بدهید، بگویید امام‌زمان از من خواسته به تو هدیه بدهم. برایش توضیح دهید که امام‌زمان و پدران‌شان در روایات از ما خواسته‌اند که با کوچکترها مهربان باشیم. به او بگویید که امام‌زمان بچه‌ها را خیلی دوست دارد و با اینگونه جملات محبت امام را به فرزندانتان انتقال دهید؛ زیرا هر چیزی که در کودکی به فرزندتان آموزش دهیم، ماندگارتر از آموزش در بزرگسالی است.

✓ ابتکار عمل و خلاقیت

والدین باید در پاسخ به سؤالات کودک و رفع شبهات او ابتکار عمل و خلاقیت داشته باشند.

گاهی کودک از شما سؤال فلسفی می‌پرسد و گاهی شما را به چالش می‌کشد؛ پس باید با مطالعه برای این شرایط آماده شویم.

✓ آموزش روحیه‌ی جمعی

کار تشکیلاتی و همدلی شیعیان آنقدر مهم است

که امام‌زمان آن را از شرایط ظهور معرفی می‌کنند.

بچه‌ی تک‌رو که روحیه‌ی کار جمعی را یاد ندارد، آسیب‌پذیر و آسیب‌زا است. فرد مهدوی باید کار و تربیت جمعی و تشکیلاتی را یاد بگیرد و بپذیرد و این آموزش، وظیفه‌ی والدین است.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تربیت فرزند مهدوی

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، اسفند ۱۴۰۰ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdiaran](https://www.instagram.com/Mahdiaran)